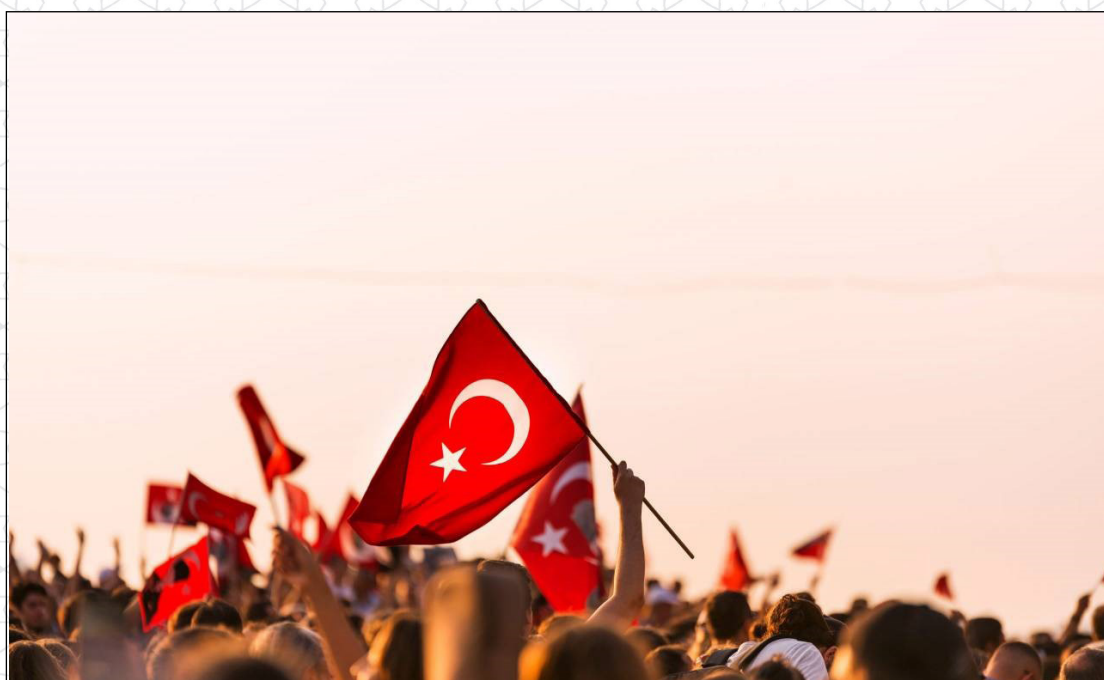


## از ساختار حکمرانی تا تربیت حکمران (۲): جمهوری ترکیه





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۵/۴

شماره مسلسل: ۲۰۸۵۲

کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

**عنوان گزارش:**

از ساختار حکمرانی تا تربیت حکمران (۲): جمهوری ترکیه

**نوع گزارش:** طرح/لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

**نام دفتر:**

مطالعات حکمرانی (گروه بنیادین حکومتی)

**تهیه و تدوین:**

حسن اعمائی (پژوهشگر گروه مطالعات پارلمان اندیشکده شریف)

**مدیر مطالعه:**

توحید اسماعیل پور (مدیر گروه بنیادین حکومتی)

**همکار:**

حدیثه ربیعی (مدیر گروه مطالعات پارلمان اندیشکده شریف)

**اظهار نظرکننده:**

محمدصادق امامیان (استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امیرکبیر)

**ناظر علمی:**

مهدی عبدالحمید

**گرافیک و صفحه آرایی:**

ساجده زارع مرزی

**ویراستار ادبی:**

زهره عطاردی

**واژه‌های کلیدی:**

۱. تربیت حکمران
۲. سیاستمدار
۳. حکمرانی
۴. ترکیه

**تاریخ شروع مطالعه:**

۱۴۰۳/۰۳/۰۱



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. پیشینه.....	۹
۳. جایگاه سیاسی.....	۱۰
۴. مروری تاریخی بر ساختار سیاسی-حقوقی ترکیه.....	۱۲
۵. سازوکارهای اثرگذار بر تربیت سیاستمدار در ترکیه.....	۱۳
۵-۱. آموزش حزبی.....	۱۳
۵-۲. طراحی نظام انتخابات.....	۱۵
۵-۳. آموزش رسمی.....	۱۶
۵-۴. بنیادها و آکادمی‌های حزبی.....	۱۶
۵-۵. تصدی جایگاه‌های محلی.....	۱۶
۵-۶. مؤسسات تربیت و آموزش حکمرانی.....	۱۶
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۷
منابع و مآخذ.....	۲۰

## فهرست شکل‌ها

شکل ۱. مسیر تحرک سیاسی نخبگان در ترکیه.....	۱۴
شکل ۲. نمودار تعداد وزرای فن‌سالار در کابینه‌های دولت‌های ترکیه از ۲۰۱۱-۱۹۵۰.....	۱۵

## فهرست جداول

جدول ۱. تفاوت‌های جایگاه‌های اداری و سیاسی.....	۱۱
جدول ۲. پیشنهاد توصیه‌های سیاستی.....	۲۰



## از ساختار حکمرانی تا تربیت حکمران (۲)؛ جمهوری ترکیه

### چکیده



تربیت حکمران مشتمل بر روندی است که در آن فرد یا گروهی از افراد ویژگی‌های معینی را کسب می‌کنند و برای تصدی جایگاه‌های معین در نهادهای سیاسی آماده می‌شوند. از این رو، این گزارش در تلاش است تا سازوکارها و پیچیدگی‌های آموزش و تربیت حکمرانان سیاسی در جمهوری ترکیه را مورد بررسی قرار دهد. در ترکیه عوامل نهادی از قبیل نظام حقوقی، نظام انتخاباتی و نظام حزبی در روند تربیت نخبگان سیاسی اثرگذار هستند. این گزارش نشان می‌دهد که نظام سیاسی ترکیه را باید نظامی حزب‌بنیاد نامید؛ ساختاری که در آن احزاب و شاخه‌های گوناگون آن از نقش کانونی در بازتولید نخبگان سیاسی برخوردارند و مسیر فعالیت سیاسی از مقام‌های محلی تا جایگاه‌های ملی با سیاست حزبی درهم آمیخته است. در دوره معاصر این نقش کانونی احزاب چه در دوره اقتدارگرایی و چه در دوره کثرت‌گرایی سیاسی نمایان بوده است. با وقوع کودتای ناموفق سال ۲۰۱۶ و متعاقب آن اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، نظام سیاسی ترکیه از ساختار پارلمانی به سمت ساختار ریاستی حرکت کرده است، ساختاری که در آن اختیارات رئیس‌جمهور به شدت افزایش یافته است. اگرچه این ساختار حقوقی می‌تواند نقش احزاب و پارلمان را در ساختار حکمرانی ترکیه تضعیف کند، اما به نظر می‌رسد هنوز احزاب را باید گزینه‌گر و تربیت‌کننده اصلی حکمرانان در ترکیه قلمداد کرد. علاوه بر احزاب می‌توان از نهادهایی با تأثیرگذاری کمتر و در عین حال درهم‌تنیده با احزاب مانند انجمن علوم سیاسی ترکیه، مدارس دینی امام خطیب (به‌خصوص برای گروه‌های مذهبی) و فعالیت در سطوح محلی به‌خصوص شهرداری‌ها نام برد.



### ■ بیان / شرح مسئله

ابعاد کارآمدی نظام سیاسی در هر جامعه‌ای به کیفیت رهبرانی مرتبط است که جایگاه‌های حکمرانی آن جامعه را اشغال کرده‌اند؛ این کیفیت در بردارنده مواردی از قبیل ارزش‌ها، تجارب شخصی، دانش و مهارت‌های سیاسی مرتبط به حکمرانی است که از طراحی نهادی و تربیت سیاسی منتج از آن نشئت می‌گیرد. اصطلاح تربیت سیاسی دلالت بر روندی دارد که در آن افراد ویژگی‌های معینی را کسب می‌کنند و برای تصدی جایگاه‌های معین در نهادهای سیاستگذاری کشور آماده می‌شوند و در نتیجه تربیت سیاستمدار حرفه‌ای را باید متفاوت از تربیت مدیر اداری یا مدیر تجاری در نظر گرفت. این گزارش در تلاش است تا سازوکارها و پیچیدگی‌های آموزش و تربیت سیاستمداران و حکمرانان در جمهوری ترکیه را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

### ■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

نظام سیاسی ترکیه را می‌توان نظام سیاسی حزب‌بنیاد نامید، ساختاری که در آن احزاب و شاخه‌های گوناگون آن از نقش کانونی در بازتولید نخبگان سیاسی برخوردارند. در این راستا، مسیر فعالیت سیاسی از مقام‌های محلی تا جایگاه‌های ملی با سیاست حزبی درهم‌آمیخته است. در دوره معاصر این نقش کانونی احزاب چه در دوره اقتدارگرایی و چه در دوره کثرت‌گرایی سیاسی در ترکیه نمایان بوده است. در این ساختار، پارلمان نیز از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و در مسئله تحرک سیاسی می‌توان ورود به پارلمان را سکوی پرتاب اصلی به سمت کابینه دولت در نظر گرفت. علاوه بر مسیر حزبی، مسیر فن‌سالارانه نیز در گزینش نخبگان سیاسی در ترکیه مؤثر بوده است، اما برخلاف کشورهای اروپای غربی تأکید بر ظرفیت فنی سیاستمداران به‌طور کامل منفک از وابستگی حزبی نبوده و به‌عبارتی در گزینش سیاستمداران فن‌سالار نیز احزاب تأثیرگذار بوده‌اند. بر این اساس، علاوه بر احزاب می‌توان از نهادهایی با تأثیرگذاری کمتر و درعین حال درهم‌تنیده با احزاب مانند انجمن علوم سیاسی ترکیه، مدارس دینی امام خطیب (به‌خصوص برای گروه‌های مذهبی) و فعالیت در سطوح محلی به‌خصوص شهرداری‌ها نام برد.

### ■ پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

نظر به خصوصیات و زمینه فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی و الزامات حقوقی ساختار سیاسی کشور، استفاده از مدل‌های کلاسیک وارداتی نظیر ساختارهای کاملاً حزبی مانند جمهوری ترکیه، شاید حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به احتمال زیاد به تکرار تجارب شکست خورده تاریخی متعدد در طول سال‌های پس از مشروطه خواهد انجامید. لذا در این بخش مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های سیاستی و نهادی با قابلیت اجرایی و قابل تطبیق با الزامات حقوقی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت ارائه می‌شود:

### الف) پیشنهاد‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت

#### ■ فعال / توانمندسازی نهادهای (غیرسیاسی) مؤثر در تربیت مدیران سیاسی کشور

در گام اول، شناسایی و نگاشت نهادی ساختارهایی که غالباً با ماهیت غیرسیاسی و به‌دلایل مختلفی عملاً نقش مؤثری در تربیت مدیران سیاسی در سال‌های اخیر کشور ایفا کرده‌اند، ضرورت دارد. در کوتاه‌مدت، بدون ورود به فرایند طولانی و پیچیده نهادسازی سیاسی، می‌توان با فعال کردن و توانمندسازی نهادهای فعلی، به‌سرعت در ارتقای ظرفیت مدیران سیاسی تلاش کرد.

#### ■ تدوین چارچوب حاکمیتی فعالیت سیاسی

تدوین و تنظیم یک چارچوب سیاسی از سوی حاکمیت که اصول و مرزهای مشروع فعالیت سیاسی و مسئولیت متقابل نهادهای موقت و کارآفرینان سیاسی فعلی را مشخص و ساماندهی کند، و توافق بر سر آن با فعالین سیاسی می‌تواند گامی مؤثر در توسعه نهادی سیاسی کشور باشد. در خلأ چنین چارچوب توافقی شده اجراپذیر و دقیقی، فعالیت سیاسی پیش‌بینی‌پذیر و مشروع، دشوار خواهد بود.



### ■ ارتقای سازوکار ارزیابی قابلیت مدیریت سیاسی در نهاد ناظر انتخابات

بدون ورود به چالش حقوقی و قانون اساسی و مبتنی بر چارچوب نهادی فعلی نظارت بر صلاحیت‌های انتخاباتی، می‌توان علاوه بر نظارت فقهی و حقوقی، از ظرفیت تخصصی و مقبولیت «نهادهای مکمل» همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازمان‌های تخصصی حاکمیتی برای اطمینان از نظارت جامع بر قابلیت‌های سیاسی و مدیریتی کاندیداهای جایگاه‌های مدیریت سیاسی کشور و در قالب نظارت‌های پیشینی تفویض شده از سوی شورای نگهبان با حفظ اقتدار تصمیم‌نهایی و حق وتوی شورا استفاده کرد. این سازوکار تکمیلی می‌تواند وجود قابلیت تشکیلاتی و انسجام سیاسی را به‌عنوان بخشی از شرایط ارزیابی مدنظر قرار دهد، و تأیید و معرفی نهادهای منتخب دوران گذار و کارآفرینان سیاسی را مرجح بداند.

### ■ سازوکار متمرکز و موقت ارتقای قابلیت حکمرانی سیاسی

ایجاد یک مرکز تخصصی و موقت ارتقای توانمندی‌های مدیریت سیاسی و تعیین ارزیابی تخصصی آن به‌عنوان پیش‌شرط کسب جایگاه‌های سیاسی، می‌تواند به‌عنوان یک راهکار موقت و تسریع‌کننده برای افزایش دانش و مهارت حکمرانی سیاسی عمل کند. با این وجود، باید دقت کرد که چنین ساختار متمرکز و بوروکراتیکی که فی‌نفسه متناسب با الزامات رقابت آزاد انتخاباتی نیست، نمی‌تواند در بلندمدت جایگزین روش‌های غیرمتمرکز، متنوع، و ارگانیک تربیت تشکیلات سیاسی محسوب شود.

### ■ تمایز مدیران حرفه‌ای (بوروکراتیک-تکنوکراتیک) و مدیران سیاسی

به‌رغم وجود تعریفی غیرکاربردی در مورد مدیران سیاسی در قانون خدمات کشوری، تعیین چارچوب حقوقی، مدل ارزیابی و شرایط تصدی این جایگاه‌ها در قوانین کشور، می‌تواند زیرساخت لازم برای توسعه نهادی ساخت سیاسی کشور را فراهم آورد. عبور چنین قانونی از هفت‌خوان فرایند تقنین در ایران، صد درصد نیازمند وفاقی نسبی در اجزای نظام سیاسی بر ضرورت تشکیلی سیاسی کشور است.

### پیشنهاد‌های بلندمدت

■ **اصلاح سیاست‌های کلی؛** اسناد بالادستی همچون سیاست‌های کلی باید چارچوب‌دهنده، تضمین‌کننده، و مشوق تشکیلی سیاسی کشور باشند. عبور از هنجار عمومی ضدتشکل و قوانین، قواعد و سنت‌های فردمحور سیاسی، و مقاومت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ بدون پشتوانه تعیین جهت راهبردی و تصریح حقوقی حاکمیتی در بالاترین سطح خود، پایدار و مانا نخواهد بود.

■ **زیرساخت حقوقی حزب؛** تدوین چارچوب حقوقی مشوق و نهادینه‌کننده تشکل‌یافتگی نظام سیاسی کشور، با تعیین شرایط، چارچوب فعالیت، سازوکار نظارت، قواعد رقابت، شاخص‌های ارزیابی و رتبه‌بندی، حمایت‌ها، مسئولیت‌ها، دسترسی‌ها، و محدودیت‌های این تشکل‌ها، می‌تواند به پایدارسازی، پویایی، و درعین حال ثبات نهادی ساختار سیاسی کشور منجر شود.

■ **بازتعریف حزب اسلامی- ایرانی؛** عبور از چالش‌های نظری و مناقشات ارزشی پیرامون تناسب فلسفه و سازوکارهای تشکیلی سیاسی با شاخصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تمدنی جامعه ایرانی؛ گفتگوهای بنیادین و ارزیابی موشکافانه و روش‌مند تجارب جهانی و ملی، از لوازم رسیدن به چنین مدل منتخب و دارای مشروعیت حداکثری است.

## ۱. مقدمه

در هر نظام سیاسی مسئله تربیت و بازتولید نسلی نخبگان عرصه سیاست یکی از مهم‌ترین کارکردها برای تداوم و بقای آن تلقی می‌شود. اساساً در هر جامعه‌ای یکی از ابعاد کارآمدی نظام سیاسی به کیفیت رهبرانی مرتبط است که متصدی جایگاه‌های سیاسی و حکمرانی آن شده‌اند و بخش مهمی از این کیفیت از قبیل ارزش‌ها، تجارب شخصی، دانش و مهارت‌های حکمرانی از تربیت سیاسی<sup>۱</sup> و طراحی نهادی منتج از آن نشئت می‌گیرد. تربیت سیاسی مشتمل بر روندی است که در آن فرد یا گروهی از افراد ویژگی‌های معینی (ارزش‌ها، دانش‌ها و

1. Political Recruitment

مهارت‌ها) را کسب می‌کنند و برای تصدی جایگاه‌های معین در نهادهای حکمرانی آماده می‌شوند. این ویژگی‌های ضروری را می‌توان در قالب کارکردهایی از قبیل آموزش و تیم‌سازی، نگهداشت قدرت، مدیریت تعارضات، نمایندگی و ارتباط با جامع و پاسخ‌گویی و شفافیت احصا کرد.

به نظر می‌رسد، کارکرد تربیت سیاسی را باید مفهومی متفاوت از جامعه‌پذیری سیاسی<sup>۱</sup> دانست؛ اگر جامعه‌پذیری سیاسی را کارکردی مختص تک‌تک افراد آحاد جامعه بدانیم، تربیت سیاسی کارکردی است که مختص آموزش مهارت‌های معین به نخبگان سیاسی است [۱]. در این راستا، ادبیات پژوهشی حول تربیت سیاسی به‌دنبال تبیین روندی است که در آن نخبگان حکمرانی از توده‌ها و سایر نخبگان مجزا شوند. در تعیین اینکه نخبگان سیاسی چه کسانی هستند پرتس نویسنده آلمانی از اصطلاح نخبگان سیاسی مرتبط<sup>۲</sup> استفاده می‌کند. این مفهوم دربردارنده افرادی است که در یک جامعه معین نفوذ و قدرت سیاسی را در تصمیمات استراتژیک اعمال می‌کنند و در تصمیمات در سطح ملی مشارکت دارند و در نهایت به تعریف ارزش‌ها و هنجارهای ملی (برای مثال تعریف منافع ملی) یاری می‌رسانند. همچنین، این مفهوم می‌تواند رهبران سیاسی، مقامات حکومتی عالی‌رتبه و حکمرانان را دربرگیرد [۲].

تربیت سیاسی از چشم‌اندازی دیگر با پژوهش‌ها حول احزاب مرتبط است؛ اساساً در حزب‌پژوهی تربیت سیاسی در کنار کارکردهایی از قبیل کسب قدرت و بسیج عمومی هواداران به‌مثابه یکی از کارکردهای مهم نهاد حزب در نظام‌های سیاسی مدرن در نظر گرفته می‌شود و عامل تمایز آن از نهادهایی از قبیل گروه‌های دارای منافع و جنبش‌های اجتماعی است [۳]. لذا، تربیت سیاسی در دولت‌های مدرن بر دو روند گزینش و انتخاب مبتنی است و در هر دو مورد احزاب نقش برجسته‌ای دارند. به‌عبارتی، احزاب در نظام‌های سیاسی مدرن گزینش‌گری، سازماندهی و مدیریت طبقه سیاسی حکمرانان را برعهده دارند [۴].

در این گزارش تلاش شده است تا مسئله تربیت نخبگان سیاسی و حکمرانان در جمهوری ترکیه مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. این گزارش به بررسی ساختار، اجزا و عملکرد تربیت لایه حکمرانان در جمهوری ترکیه می‌پردازد. پرسش اصلی این گزارش را می‌توان به این صورت بیان کرد که متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر روند تربیت سیاستمداران در ترکیه کدام است؟ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد پیش از بررسی روند تربیت سیاسی لایه حکمرانان در جمهوری ترکیه ضروری است تا حدودی مفهوم جایگاه سیاسی و تربیت سیاسی در ادبیات موضوعی این گزارش تبیین شود.

## ۲. پیشینه

تربیت سیاسی شهروندان برای تصدی جایگاه‌های حکمرانی در قوای مقننه و مجریه را باید یکی از کارکردهای اصلی نظام‌های سیاسی دانست. تربیت سیاسی به شایستگی سیاستمداران و حکمرانان و گزینش آنها مرتبط است و در مقایسه با حوزه‌هایی مانند تربیت رهبران تجاری به‌نظر می‌رسد در ادبیات پژوهشی آثار کمتری به بررسی آن پرداخته است.

در عصر مدرن شاید اولین فردی که آشکارا در چارچوب مکتب نخبه‌گرایی از کیفیت نخبگان سیاسی در چارچوب مفهوم فضیلت<sup>۳</sup> سخن به میان آورد، نیکولو ماکیاوولی بود که از ظرفیت حکومت کردن و راهبری سخن گفت. گائتانو موسکا نیز نخبگان سیاسی حاکم را گروهی توصیف می‌کند که از لحاظ ویژگی‌های فکری، مادی و اخلاقی متمایز از توده‌های حکومت‌شونده هستند. ماکس وبر معتقد بود؛ سیاست مدرن بر دو طبقه مدیران اداری حرفه‌ای آموزش‌دیده و سیاستمداران حرفه‌ای حزبی (انتخابی) بنا شده است و حرفه‌ای شدن سیاست، سیاستمدارانی را خلق می‌کند که از قبل سیاست به‌مثابه یک حرفه امرارمعاش می‌کنند. در نتیجه حرفه دانستن سیاست<sup>۴</sup>، ضرورت نوعی تربیت سیاسی خاص و مجزا را آشکار می‌کند. نوربرتو بابیو نیز تربیت سیاسی را مفهومی می‌بیند که در ساختار سیاسی و به‌طور خاص در مجموعه قوه مقننه و سازمان‌های حزبی اعمال می‌شود و کارکرد آن تضمین ویژگی‌های مورد نیاز جایگاه‌های سیاسی است. جو سیلوستره (۲۰۱۲) مشروعیت دموکراتیک و انتخاب سیاستمداران از سوی عموم مردم را مهم‌ترین

1. Political Socialization
2. Politically Relevant Elites (PRE)
3. Virtue

۴. ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی بر مفهوم وظیفه (Calling) به‌منظور تمایز میان سیاستمدار حرفه‌ای از سیاستمدار آماتور یا نیروهای بوروکرات تأکید دارد.



عامل تمایز تربیت سیاسی از تربیت بوروکراتیک می‌داند؛ به عبارتی، سیاستمداران علاوه بر گزینش با مسئله انتخاب از سوی عموم مردم مواجه هستند [۵].

علاوه بر این، تربیت سیاسی در ادبیات رایج پژوهشی مدرن با مطالعات حول احزاب سیاسی پیوند خورده است؛ اساساً بسیاری از سیاستمداران به خصوص نمایندگان پارلمان تربیت سیاسی ابتدایی خود را از مسیر کنشگری‌های سیاسی حزبی آغاز کرده‌اند، در این زمینه می‌توان گفت احزاب، گزینش‌گری، سازماندهی و مدیریت طبقه سیاسی حکمرانان را در نظام‌های سیاسی برعهده دارند. در حوزه مطالعات تجربی متأخر حول تربیت سیاسی، کاستا پینتو (۲۰۱۸) استدلال می‌کند که در کشورهای اروپای غربی روند تربیت سیاسی از الگوی حزبی به سمت الگوهای جایگزین از قبیل الگوی فن‌سالار حرکت کرده است. به عبارتی، در قرن ۲۰ در کشورهای اروپایی، مردان و زنان فعال در سازمان‌های حزبی هدایت ماشین دولت و مسئولیت سیاستگذاری‌های ملی را عهده داشتند، اما با آغاز قرن ۲۱ الگوهای غیرسیاسی یا فن‌سالار جایگزین الگوی تربیت سیاسی حزبی شدند. الگوهایی که در آن مشروعیت علمی و کارشناسی<sup>۱</sup> بیش از مشروعیت مبتنی بر مفهوم نمایندگی<sup>۲</sup> و عنصر دمکراتیک خودنمایی می‌کنند و در آن کنشگری در نهادهایی از قبیل شرکت‌های خصوصی، فضای دانشگاهی، اندیشکده‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جایگزین فعالیت‌های پارلمانی و درون‌حزبی شده‌اند [۶].

### ۳. جایگاه سیاسی



جایگاه سیاسی یکی از چندوجهی‌ترین مفاهیمی است که باید در نظام‌های حکومتی مدرن تبیین شود. بسیاری از پرسش‌ها حول این محور می‌چرخند که کدام جایگاه‌ها در عرصه عمومی دارای ماهیت سیاسی هستند و تفاوت آنها با جایگاه‌های دیگر از جمله جایگاه‌های صرفاً اداری چیست؟ سیاستمداران چه وظایف و مسئولیت‌هایی را برعهده دارند و برای اجرای این وظایف به چه شایستگی‌هایی نیاز دارند؟

ماکس وبر (۱۹۲۱) به‌طور مشخص به این تفاوت‌ها پرداخته است و اشاره می‌کند که سیاست مدرن به دو ستون اساسی تکیه دارد: نخست مدیران اداری حرفه‌ای که به‌طور تخصصی آموزش دیده‌اند و دوم سیاستمداران حزبی انتخابی<sup>۳</sup>. این دسته‌بندی بنیادین به شکلی مشخص می‌تواند رابطه میان سیاستگذاری و اجرا را تبیین کند.

درباره تفاوت‌های این دو موقعیت در سیاستگذاری‌های رسمی درون یک نظام سیاسی نظرات گوناگونی مطرح شده است. برخی سیاست را عرصه سیاستگذاری (Policy) و جایگاه‌های اداری یا حرفه‌ای را عرصه اجرا (Administration) دانسته‌اند. در واقع از لحاظ نهادی، تقسیم کاری بدین‌نحو صورت می‌پذیرد که سیاستمداران با توجه به خواست عمومی، سیاست‌ها را از طریق نهادهایی مانند پارلمان و دولت معین می‌کنند و نیروهای اداری در نظام دیوان‌سالاری وظیفه عملیاتی کردن و اجرای آن را برعهده خواهند داشت [۷]. ماینر نیز در این خصوص بیان می‌دارد که کارکرد دولت به دو دسته بیان خواست عموم (سیاست) و اجرای آن خواست (دیوان‌سالاری) تقسیم می‌شود [۸].

به عبارتی دیگر سیاستمداران، سیاست‌های عمومی را با توجه به خواست عمومی از طریق احزاب و نهادهای دمکراتیک تنظیم می‌کنند و نیروهای اداری وظیفه اجرای این سیاست‌ها را برعهده خواهند داشت. وبر تأکید می‌کند، از آنجایی که سیاستمداران مشروعیت خود را از طریق رأی‌دهندگان و احزاب کسب می‌کنند، باید به خواسته‌ها و نیازهای عمومی جامعه پاسخ‌گو باشند. به‌زعم وی همین ویژگی تفاوت بنیادی میان سیاستمداران و مدیران اداری به‌ویژه در نظام‌های سیاسی دمکراتیک است؛ سیاستمداران از مسیر دمکراسی و انتخابات به قدرت می‌رسند و باید در برابر مردم و احزاب پاسخ‌گو باشند، در حالی که انتصاب مدیران اداری از مسیر

1. Expertise

2. Representation

۳. مفروض انتخابی دانستن سیاستمداران، در پذیرش گسترده نظریه حکومت نمایندگی (Representative government) در دنیای مدرن ریشه دارد.

۴. به این دیدگاه ندهایی نیز وارد شده است. از جمله اینکه این مرزبندی و تفوق سیاستمداران بر نیروهای حرفه‌ای بیش از حد آرمانی است و در عرصه واقع‌ابتکار بسیاری از سیاستگذاری‌ها نیز با نیروهای اداری است. برای نمونه، تعداد بالای لوائح نسبت به طرح‌های پارلمانی گواهی بر این موضوع است که قوه مجریه به‌دلیل ظرفیت بالای نیروهای اداری نهاد مناسب‌تری برای تعیین طرح سیاستگذارانه است، تا جایی که برخی مدعی‌اند در دولت‌های مدرن سیاست بوروکراتیک جانشین سیاست حزبی شده است.

شایستگی‌های فنی و حرفه‌ای می‌گذرد.

در این راستا، تفاوت میان عقلانیت سیاسی و عقلانیت اداری را باید مدنظر قرار داد. سیاستمداران براساس فشارهای دموکراتیک و نیاز به پاسخ‌گویی به رأی‌دهندگان عمل می‌کنند، درحالی‌که مدیران اداری براساس کارایی فنی و تخصصی سیاست‌های اجرایی خود را تنظیم می‌کنند.

همچنین درباره مسیر برگزیده شدن افراد می‌توان گفت در جایگاه اداری افراد بر مبنای گزینش‌های<sup>۱</sup> معین منصوب می‌شوند. به‌عبارتی، نیروهای بوروکرات یا حرفه‌ای نه از مجرای انتخاب عمومی بلکه از طریق انتصاب و گزینش از سوی یک بوروکرات دیگر مبتنی بر کارآمدی و کارشناسی وارد اداره خود می‌شوند [۹]؛ اما سیاستمداران علاوه بر روندهای گزینشی باید از سوی عموم شهروندان، انتخاب<sup>۲</sup> شوند؛ در این مسیر، معمولاً گزینش<sup>۳</sup> سیاستمداران از مجرای احزاب سیاسی می‌گذرد و انتخاب از سوی عموم مردم صورت می‌گیرد. در نتیجه به‌نظر می‌رسد، مشروعیت و پاسخ‌گویی دموکراتیک سیاستمداران را باید یکی از عوامل اصلی تمایز آنها از نیروهای اداری دانست [۱۰].

لازم به ذکر است؛ پاسخ‌گویی دموکراتیکی با مفاهیمی از قبیل پیوندهای حزبی و نمایندگی از منافع طبقات اجتماعی مرتبط است و علاوه بر این خود انتخابات انگیزه‌هایی در سیاستمداران به‌وجود می‌آورد که باعث می‌شود به شیوه‌های خاصی رفتار کنند و یک چارچوب نهادی را تعریف نمایند که از آن نتایج خاصی حاصل شود. لذا، با در نظر گرفتن این معیار به‌نظر می‌رسد نمایندگان پارلمان، نخست‌وزیر و وزیر کابینه را می‌توان مصداق تمام و کمال سیاستمدار در نظام‌های سیاسی دموکراتیک دانست که با نهاد حزب و نظام حزبی پیوند وثیقی دارند. در مقابل نیروهای حرفه‌ای (اداری) به دلیل نظام‌های گزینش علمی - فنی از ظرفیت کارشناسی برجسته‌ای برخوردارند. در نتیجه باید گفت؛ در حوزه سیاستگذاری نیروهای حرفه‌ای تأکیدشان بر کارآمدی فنی است، درحالی‌که سیاستمداران بیشتر پاسخ‌گویی دموکراتیک به رأی‌دهندگان خود را مدنظر دارند. در نهایت می‌توان چنین خلاصه کرد که در حوزه سیاستگذاری عمومی جامعه با دو نوع عقلانیت سیاسی و عقلانیت اداری<sup>۴</sup> مواجه است [۱۱]. برخی تفاوت‌های اصلی جایگاه سیاسی از جایگاه اداری در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱. تفاوت‌های جایگاه‌های اداری و سیاسی

شاغل حرفه‌ای	سیاستمدار	
اداری	سیاسی	چشم‌انداز غالب
فقدان اقتدار؛ عدم توانایی قرار دادن موضوعات در دستور کار سیاسی	زمان؛ فشار همیشگی به‌منظور دستیابی به نتایج سریع	محدودیت‌های اصلی
بلندمدت؛ آنها معمولاً سابقه‌ای طولانی در خدمات عمومی دارند (حافظه نهادی) <sup>۵</sup>	کوتاه؛ انتصاب سیاسی <sup>۶</sup>	زمان تصدی
محدود و تعریف شده، مسئول یک حوزه معین	گسترده؛ مسئول نظارت بر دستور کار سیاسی یا سیاسی در یک در یا چند بخش	حوزه نفوذ
گزینش و انتصاب مبتنی بر قاعده ارشدیت	ترکیبی از گزینش و انتخاب عموم رأی‌دهندگان	شیوه دستیابی به مقام

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

1. Selection
2. Election

۳. احزاب در عضوگیری سیاستمداران و در سازماندهی و محدود کردن انتخاب‌های رأی‌دهندگان به‌مثابه گزینش‌گر (Gatekeeper) عمل می‌کنند.

4. Political Rationality and Administrative Rationality
5. Short-Termism

۶. کارشناسان یا نیروهای حرفه‌ای ماندگارند، اما مدیران سیاسی به فراخور انتخابات تغییر می‌کنند.



#### ۴. مروری تاریخی بر ساختار سیاسی - حقوقی ترکیه

با برآمدن جمهوری مدرن ترکیه از بقایای امپراتوری عثمانی، این کشور تا پایان جنگ جهانی دوم تحت رژیم اقتدارگرایانه تک‌حزبی قرار داشت. اولین گام به سمت آزادی‌های بیشتر در سال ۱۹۴۵ برداشته شد، درجایی که رئیس‌جمهور مصطفی عصمت اینونو (۱۹۷۳-۱۸۸۴) اعلام کرد که احزاب اپوزیسیون می‌توانند تشکیل شوند و آزادانه در انتخابات رقابت کنند. با این تصمیم، ترکیه جزء اولین کشورهای در حال توسعه بود که از اقتدارگرایی به سمت دموکراتیزاسیون حرکت کرد. در پی اعلام این تصمیم مهم، برخی از نمایندگان پارلمان از حزب حاکم (حزب خلق جمهوری CHP) جدا شدند و حزب دموکراتیک را در سال ۱۹۴۶ تشکیل دادند. اولین انتخابات آزاد در سال ۱۹۵۰ صورت گرفت و حزب دموکراتیک به ریاست ادنان مندرس پیروز انتخابات شد. این تغییر نهادی (آزادی احزاب مخالف) باعث ورود تازه‌واردانی به عرصه سیاست ترکیه شده بود، به‌طوری‌که در دولت نخست‌وزیر مندرس صرفاً ۶ وزیر بودند که سابقه فعالیت‌های حزبی در حزب دموکراتیک را داشتند و بقیه اعضای کابینه تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌هایی بودند که اخیراً به حزب دموکراتیک ملحق شده بودند [۱۲]. حرکت ترکیه به سمت دموکراتیزاسیون بدون مخاطره نبوده و دولت‌های دموکراتیک به دلیل مداخله نظامی در سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ ساقط شدند.<sup>۱</sup> به‌رغم حکمرانی کوتاه نظامیان در هر مداخله نظامی (۱۹۶۱-۱۹۷۳/۱۹۶۰-۱۹۸۳/۱۹۷۱-۱۹۸۰) و بازگشت قدرت به مقامات انتخابی غیرنظامی، در این دوران تغییرات مهمی از قبیل نگارش قانون اساسی جدید، تغییر قانون انتخابات و ممنوعیت برخی احزاب سیاسی صورت گرفت و شاید مهم‌ترین تأثیر آن را باید بر تضعیف روند نهادمندی احزاب و نظام حزبی دانست. علاوه‌براین، از چشم‌انداز تربیت سیاسی، وزرای فن‌سالار غیرسیاسی در کابینه‌های نظامی بعد از کودتا حضور بیشتری داشته‌اند؛ برای نمونه بعد از کودتای ۱۹۷۱ ارتش، نهاد اریم<sup>۲</sup> استاد حقوق دانشگاه آنکارا را به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین کرد، کابینه‌ای که اریم در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۱ تشکیل داد یکی از فن‌سالارترین کابینه‌های تاریخ ترکیه بود، به‌طوری‌که از ۳۴ عضو کابینه ۱۶ نفر اساساً سابقه پارلمانی یا سیاسی نداشتند؛ برای نمونه، از برجسته‌ترین اعضای فن‌سالار این کابینه می‌توان به آتیل کاراعثمان اوغلو<sup>۳</sup> اشاره کرد که او فارغ‌التحصیل اقتصاد دانشگاه استانبول و از مؤسسين سازمان فن‌سالار برنامه‌ریزی دولتی<sup>۴</sup> ترکیه بود و سابقه همکاری‌هایی با بانک جهانی را در کارنامه خود داشت. او در دولت اریم جایگاه معاون نخست‌وزیر و مسئولیت سیاست‌های اقتصادی را عهده‌دار بود [۱۳].

تربیت سیاسی وزرا در بازه زمانی ۲۰۱۱-۱۹۵۰ در چارچوب سه قانون اساسی مختلف صورت گرفت؛ قانون اساسی اول در سال ۱۹۲۴ تدوین شد و تا سال ۱۹۶۰ پابرجا بود. این قانون اقتدار قوه مجریه و مقننه را در مجلس ملی ترکیه متمرکز می‌کرد و در عمل قوه مجریه تحت اقتدار تنها حزب حاکم پارلمان قرار داشت. با آغاز روند دموکراتیزاسیون به‌رغم عدم تغییر قانون اساسی، نخست‌وزیری به‌مثابه جایگاه اصلی قدرت جایگزین ریاست‌جمهوری شد. به‌عبارتی، با شروع تبدیل شدن ترکیه به نظام پارلمانی به سبک کشورهای اروپای غربی، رهبر بزرگترین حزب در پارلمان به شخصیت سیاسی نخست ترکیه بدل شد.

دومین قانون اساسی در ترکیه در سال ۱۹۶۱ زمینه را برای تفکیک قدرت اجرایی از مقننه در ساختار سیاسی فراهم آورد. این قانون اساسی به رئیس‌جمهور قدرت رسمی و عمدتاً نمادینی به‌عنوان رئیس دولت<sup>۵</sup> اعطا می‌کرد. اگرچه قانون اساسی صرفاً به‌صورت مختصر نقش نخست‌وزیر را به‌مثابه هماهنگ‌کننده وزرا و متصدی اعمال سیاست‌های دولت تعریف می‌کرد (اصل ۱۰۴)، اما در عمل نفوذ و اقتدار نخست‌وزیر در نظام سیاسی ترکیه فراتر از رئیس‌جمهور بود. علاوه‌براین، قانون اساسی سال ۱۹۶۱ دربردارنده دو اصل مهم در تعیین اثرگذار بر مسئله تعیین وزرای کابینه بود؛ نخست، افراد خارج از پارلمان نیز می‌توانستند وزیر کابینه شوند؛ گنجاندن چنین اصلی انعکاس‌دهنده ضرورت حضور مدیران واجد شرایط، به‌خصوص در حوزه فنی بود که چنین افرادی کمتر در پارلمان یافت می‌شدند [۱۴]. دوم با شروع مبارزات انتخاباتی سه فرد مستقل از درون یا بیرون از پارلمان باید به‌عنوان وزرای قضایی، کشور و حمل‌ونقل منصوب شوند. علت و هدف انتصاب این سه فرد مستقل به‌طور خاص در قانون اساسی تصریح نشده است، اما در عمل

۱. به کودتاهای مذکور شاید بتوان کودتای ناموفق سال ۲۰۱۶ را نیز اضافه کرد.

2. Nihat Erim  
3. Atilla Karaosmanoglu  
4. State Planning Organization  
5. Head of State

علت را باید در گزینش افرادی عمدتاً از مدیران بوروکرات عالی‌رتبه بدون تعلقات حزبی دانست که هدفش تأمین شرایط منصفانه و برابر در انتخابات و جلوگیری از اعمال نفوذ حزب حاکم است.

قانون اساسی سوم در سال ۱۹۸۲ تدوین شد و توزیع قدرت میان قوه مجریه و مقننه را تغییر داد و اقتدار قابل توجهی به ریاست‌جمهور به‌منظور خلق رئیس‌جمهوری قدرتمند اعطا کرد. قانون اساسی سال ۱۹۸۲ اصول قوانین اساسی قبلی حول تربیت سیاسی وزرا را اقتباس کرد که شامل انتصاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور، تأیید رسمی کابینه توسط رئیس‌جمهوری با پیشنهاد نخست‌وزیر، امکان انتخاب وزرای کابینه از خارج از پارلمان و انتصاب سه فرد مستقل در کابینه در زمان انتخابات است. اگرچه ترکیه رسماً شکل نظام‌های ریاستی یا نیمه‌ریاستی را انتخاب نکرد باوجود این قانون اساسی ۱۹۸۲ نظام دوگانه‌ای را خلق کرد که در آن عناصر نظام‌های پارلمانی و ریاستی در یک هم‌زیستی دشوار قرار گرفتند؛ به‌خصوص زمانی که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از یک حزب سیاسی نباشند.

در این قانون اساسی برخلاف قانون اساسی سال ۱۹۶۱ جایگاه ریاست‌جمهوری از یک جایگاه تشریفاتی و نمادین به یک جایگاه قدرتمند و فعال با نقش انتصابی و سیاسی تبدیل شد.

در سال ۲۰۱۴ ترکیه قانون اساسی خود را از طریق رفراندوم اصلاح کرد و انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور ازسوی مردم را برگزید و این اصلاحیه برای اولین بار مستقیماً به رئیس‌جمهور مشروعیت دمکراتیک عمومی اعطا کرد و نقش رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ترکیه را افزایش داد. تا قبل از آن جایگاه رئیس‌جمهور تشریفاتی بود و ازسوی پارلمان برای یک دوره هفت‌ساله انتخاب می‌شد. در سال‌های اخیر و به‌خصوص اصلاحات قانون اساسی سال ۲۰۱۷، حرکت ساختار سیاسی ترکیه از نظام پارلمانی به سمت نظام ریاستی یا شبه‌ریاستی ازجمله موضوعات جنجال‌برانگیز و مورد بحث بوده است. در این ساختار جدید، جایگاه نخست‌وزیری حذف و رئیس‌جمهور هم جایگاه رئیس‌دولت و هم رئیس‌حکومت را داراست؛ علاوه‌براین، رئیس‌جمهور می‌تواند در صورت مخالفت پارلمان با سیاست‌هایش آن را منحل کند، در نتیجه قدرت نظارتی پارلمان در مقابل رئیس‌جمهور کاهش یافته است. همچنین، در مسیر افزایش قدرت رئیس‌جمهور این حق به وی داده شده که رئیس‌عالی‌ترین نهاد قضایی متشکل از قضاوت و دادستان‌ها را شخصاً منصوب کند، این اصلاحات باعث شده است برخی مسیر ترکیه را به سمت دمکراسی‌های شکننده یا اقتدارگرا توصیف کنند.

## ۵. سازوکارهای اثرگذار بر تربیت سیاستمدار در ترکیه

### ۱-۵. آموزش حزبی

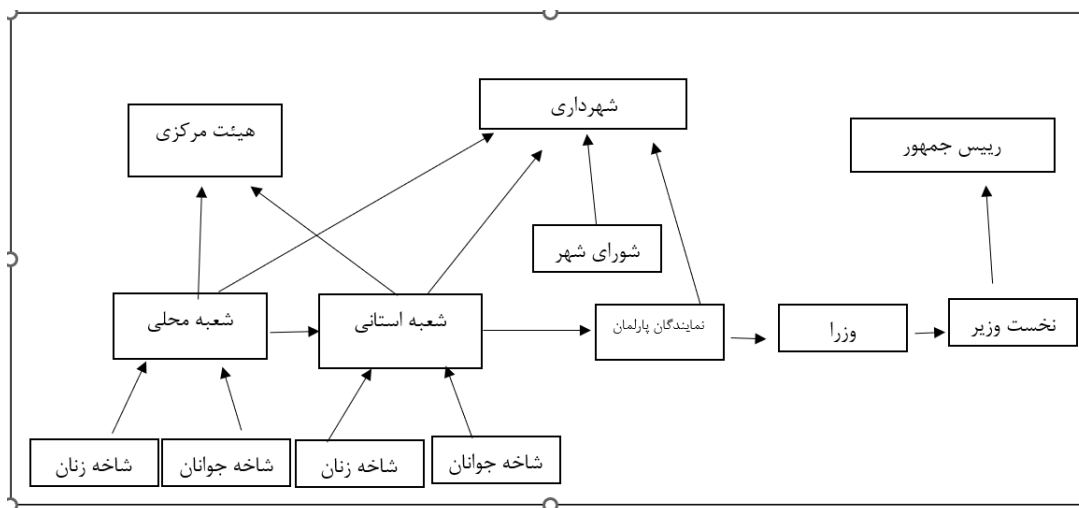
همان‌طور که بیان شد؛ ساخت سیاسی کشور ترکیه در قرن گذشته طیفی از اشکال حکومت از قبیل پارلمانی، نیمه‌پارلمانی-نیمه‌ریاستی و درنهایت با اصلاحات سال ۲۰۱۷ حرکت به سمت نظام ریاستی را تجربه کرده است. در همه این اشکال شکل‌های حکومت، احزاب سیاسی در ترکیه نقش مهمی در شکل دادن به چشم‌انداز سیاسی و تربیت سیاستمداران داشته‌اند و به‌عبارتی می‌توان گفت؛ ترکیه از نظام سیاسی حزب‌محوری برخوردار است [۱۵]. از لحاظ تاریخی سیاست حزبی در ترکیه از سابقه نسبتاً طولانی برخوردار است؛ برخی نویسندگان توسعه سیاست حزبی در ترکیه را در سه مرحله توضیح داده‌اند: نخست احزاب شکل گرفته در امپراتوری عثمانی در اوایل قرن ۲۰، دوم شکل‌گیری جمهوری ترکیه و حاکمیت حزب جمهوری خلق، و درنهایت مرحله سوم سیاست حزبی در ترکیه بعد از جنگ جهانی دوم با روند دمکراتیزاسیون و نظام چندحزبی آغاز می‌شود [۱۶]. اکنون ترکیه دارای سیستمی چندحزبی است و حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) را می‌توان دو حزب اصلی این کشور به‌شمار آورد. در کنار این دو حزب اصلی می‌توان به احزاب مهم دیگری از قبیل حزب برابری و دمکراسی خلق‌ها (Hedep)، حزب حرکت ملی ترکیه (MHP) اشاره کرد.

قوانین حزبی در ترکیه، احزاب را ملزم به سازماندهی و داشتن شعب استانی و محلی می‌کند. ماده (۷) قانون احزاب سال ۱۹۸۳

تصریح دارد که احزاب باید از یک هیئت مرکزی همراه با شعب استانی، محلی، شاخه زنان و شوراهای مرتبط به انتخابات شهرداری‌ها و همچنین گروه پارلمانی برخوردار باشند، احزاب به فراخور قواعد حزبی و ایدئولوژی خود در مباحثی از قبیل گزینش کاندیدها، رویکردهای تمرکزگرا یا محلی را اتخاذ می‌کنند. برای نمونه، برخی حزب حاکم عدالت و توسعه را از جمله احزاب با رویکرد تمرکزگرایانه تلقی می‌کنند و معتقدند روند گزینش نامزدها مبتنی بر نظر هیئت مرکزی و به‌خصوص خود رئیس‌جمهور اردوغان باید صورت گیرد. از طرف دیگر الگوهای نظارتی در انتخابات ترکیه نیز فضا را برای گردش نخبگان از مسیر احزاب سیاسی هموار می‌کند؛ شورای عالی انتخابات در ترکیه (Yüksek Seçim Kurulu) از ماهیتی اجرایی-قضایی برخوردار است و نظارت بر انتخابات را عمدتاً حول مفهوم الزامات قانونی عینی<sup>۱</sup> و نه احراز صلاحیت<sup>۲</sup> اعمال می‌کند.<sup>۳</sup>

شکل ۱ مسیر تحرک سیاسی نخبگان در ساختار سیاسی ترکیه را نشان می‌دهد که نقش احزاب سیاسی در آن چشمگیر است. در چند دهه گذشته به‌رغم افزایش سیاستمداران فن‌سالار (مهندسین، اقتصاددانان و مدیران تجاری)<sup>۴</sup> در میان هیئت‌وزیران، هنوز نقش احزاب در ترکیه به‌مثابه گزینش‌گر<sup>۵</sup> ورود به سیاست حیاتی است و بسیاری از اعضای کابینه یا شورای وزیران ترکیه<sup>۶</sup> که ظرفیت فنی برجسته‌ای داشته‌اند هم‌زمان به احزاب سیاسی هم مرتبط بوده‌اند و هویتی حزبی<sup>۷</sup> داشته‌اند [۱۷]. بنابراین در ترکیه برای تحرک سیاسی رو به بالا وابستگی حزبی ضروری است و در این چارچوب حتی اگر سیاستمداری از ویژگی‌های حزبی برخوردار نباشد برای ورود به عرصه حکمرانی باید مناسبات حزبی را رعایت کند.<sup>۸</sup>

شکل ۱. مسیر تحرک سیاسی نخبگان در ترکیه [۱۸]



## 1. Objective Legal Requirement

### 2. Qualify

۳. در این زمینه می‌توان به اصل (۷۶) قانون اساسی ترکیه و برخی شرایط مطرح شده در برخی قوانین انتخاباتی از قبیل قانون احزاب، قانون انتخابات پارلمان و قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه اشاره کرد. در این زمینه می‌توان به نمونه صلاح‌الدین دمیرتاش از حزب دمکراتیک خلق اشاره داشت؛ وی به‌رغم بازداشت و حضور در زندان توانست در انتخابات ۲۰۱۸ ریاست‌جمهوری از سوی حزب خود نامزد شود و در انتخابات شرکت کند؛ زیرا قوانین و نهادهای نظارتی صرفاً می‌توانند مانع نامزدی افراد دارای محکومیت قضایی شوند و در آن زمان هنوز علیه دمیرتاش حکمی صادر نشده بود، در نتیجه حزب دمکراتیک خلق توانست وی را به‌عنوان نامزد خود معرفی کند.

۴. در تعریف سیاستمدار فن‌سالار از معیارهای گوناگونی می‌توان بهره برد، اما با توجه به ساختار سیاسی ترکیه فقدان سابقه پارلمانی را می‌توان یکی از شاخص‌های مهم در تعیین سیاستمدار فن‌سالار یا تکنوکرات دانست؛ زیرا با توجه به حزبی بودن انتخابات در ترکیه وزرا دارای سابقه نمایندگی را باید وزیر حزبی (Partisan) در نظر گرفت. بر طبق آمار بسیاری نویسنده ترک مابین سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۵۰ حدود ۲۸ درصد اعضای کابینه فاقد سابقه پارلمانی یا سابقه پارلمانی اندک (یک دوره) برخوردار بودند.

### 5. Gatekeeper

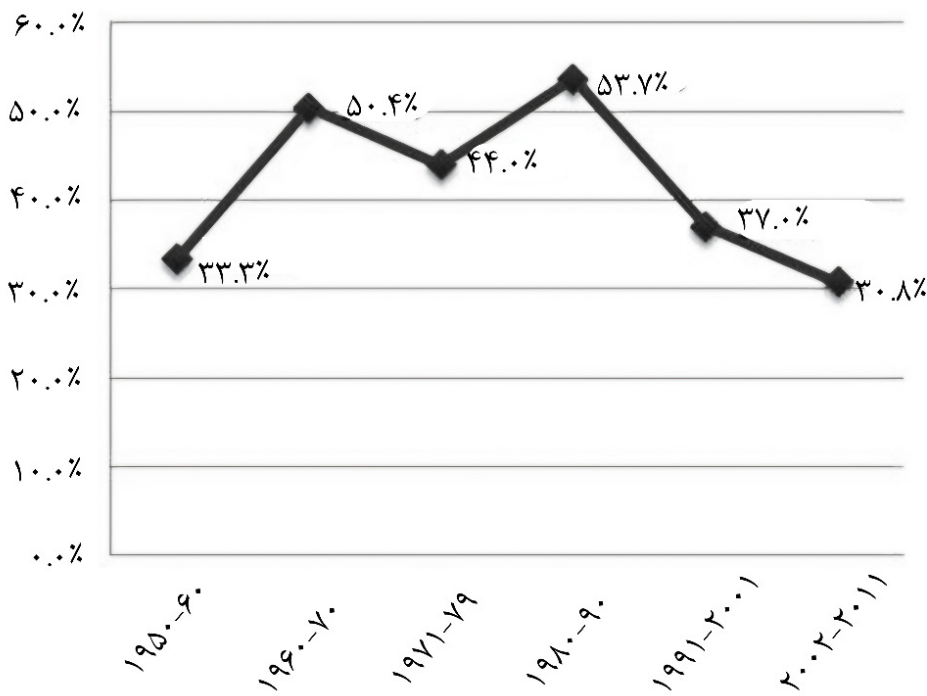
### 6. Bakanlar Kurulu

### 7. Partisan

۸. حتی شخصیت فن‌سالار و اقتصاددان برجسته‌ای مانند کمال درویش نیز بعد از پایان مأموریت تکنوکراتیک خود در دولت بولنت اجویت (۲۰۰۱) مجبور شد از طریق عضویت در حزب جمهوری خلق به فعالیت سیاسی ادامه دهد.

در این زمینه سیاری و بیلگین (۲۰۱۶) در مقاله خود نشان داده‌اند که روند ورود نیروهای تکنوکرات به کابینه‌های دولت‌های مختلف از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۱ به چه شکل بوده است؛ این آمار نشان می‌دهد با شروع قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه شدت ورود نیروهای فن‌سالار کاهش یافته و کابینه‌ها در حزب عدالت و توسعه از ماهیتی سیاسی بیشتری برخوردار بوده است.

شکل ۲. نمودار تعداد وزرای فن‌سالار در کابینه‌های دولت‌های ترکیه از ۱۹۵۰-۱۹۹۰



## ۲-۵. طراحی نظام انتخابات

نظام‌های انتخاباتی نقش مهمی در شیوه‌گزینش نامزدها و الگوهای تربیت حکمران ایفا می‌کنند. نظام انتخاباتی از جمله متغیرهایی است که در کنار قواعد حزبی بر روند تربیت سیاسی نامزدهای انتخابات اثرگذار است [۲۰]. نظام‌های انتخاباتی می‌توانند بر راهبردهای احزاب در گزینش نامزدها اثرگذار باشند؛ برای نمونه، اگر نظام انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه تک نماینده باشد معیارهای گزینش افراد می‌تواند سخت‌تر شود. در این راستا، احزاب اگر تشخیص دهند معرفی نامزد جوان یا زن شانس آنها را برای پیروزی کاهش می‌دهد، کمتر به این افراد امکان حضور در رقابت را می‌دهند. اما در مقابل، در مدل‌های انتخاباتی، انتخابات تناسبی احزاب به صورت راهبردی به دلیل افزایش نمایندگی گروه‌های مختلف فضای بازتری برای ورود افراد تعیین می‌کند. از زمان شکل‌گیری جمهوری ترکیه این کشور طراحی‌های انتخاباتی گوناگونی را از نظام اکثریتی تا نظام‌های تناسبی، از نظام‌های تناسبی دارای حد نصاب<sup>۱</sup> تا نظام‌های تناسبی فاقد حدنصاب تجربه کرده است.<sup>۲</sup> اصلاح نظام انتخاباتی در ترکیه به تغییر توزیع کرسی‌های پارلمان<sup>۳</sup> انجامیده است.

### 1. Threshold

۲. در سه انتخابات بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۱ ترکیه نظام انتخاباتی اکثریتی را اعمال می‌کرد و از سال ۱۹۶۱ به سمت الگوهای متفاوتی از انتخابات تناسبی پیش رفت.  
۳. براساس ساختار سیاسی جدید ترکیه (اصلاحات سال ۲۰۱۸)، قوه قانونگذاری ترکیه مجلس کبیر ملی است که ۶۰۰ نماینده دارد. این رقم در پارلمان‌های پیشین، ۵۵۰ نفر بود. پایین‌ترین سن مجاز برای عضویت در پارلمان نیز از ۲۵ سال به ۱۸ سال کاهش یافته است. نمایندگان برای دوره‌های پنج‌ساله و از طریق رأی مستقیم مردم وارد مجلس می‌شوند. تصویب قوانین، اصلاح و لغو آنها با رأی دوسوم اعضا کنترل و نظارت بر عملکرد شورای وزیران، اختیار دادن به شورای وزیران در خصوص معاهدات با قدرت قانونی، بحث و تصویب بودجه، اعلان جنگ و تصویب معاهدات بین‌المللی از جمله وظایف این مجلس است. احزاب برای تشکیل گروه پارلمانی باید حداقل دارای ۲۰ کرسی باشند.



### ۳-۵. آموزش رسمی

افراد مشتاق برای فعالیت سیاسی در ترکیه اغلب تحصیلات رسمی را دنبال کرده و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها نقطه شروع خوبی برای مشاغل سیاسی است. برای مثال، دانشگاه‌های استانبول و آنکارا دارای دپارتمان‌هایی قوی در حوزه علوم سیاسی و سیاستگذاری عمومی بوده و رشته‌های مرتبط در این حوزه را آموزش می‌دهند. همچنین مدرسه ملی مدیریت<sup>۱</sup> مشابه کالج ENA در فرانسه، به آموزش مدیران دولتی در ترکیه مشغول بوده و بر توسعه مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای خدمات عمومی تأکید دارد.

### ۴-۵. بنیادها و آکادمی‌های حزبی

بنیادها و مؤسسات وابسته به احزاب سیاسی بزرگ در ترکیه، از جمله بنیاد SETA وابسته به حزب عدالت و توسعه و بنیاد آموزش و فرهنگ مترقی وابسته به حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP)، برنامه‌ها و آکادمی‌های آموزش سیاسی را اداره می‌کنند. بر این اساس، بنیاد ستا به‌عنوان یک مؤسسه تحقیق و سیاستگذاری، انجمنی برای گفتگو در سطح بین‌المللی ایجاد کرده که به گردآوری نقطه‌نظرات مختلف با استانداردهای جهانی پرداخته و به سازماندهی سمینارها و کارگاه‌های آموزشی در مورد موضوعات مختلف سیاسی به آموزش سیاسی کمک می‌کند.

### ۵-۵. تصدی جایگاه‌های محلی

مشارکت و فعالیت در سطح محلی نیز می‌تواند به پیشرفت و گذار فرد به مقاماتی در دولت‌های محلی از جمله شهرداری‌ها و یا شوراهای استانی منجر شود. انتخابات شهرداری‌های ترکیه هر پنج سال یک‌بار برگزار و شامل انتخاب شهردار و اعضای شورای شهر در شهرهای بزرگ و کوچک ترکیه می‌شود. این انتخابات در تمامی ۸۱ استان این کشور برگزار خواهد شد. انتخابات در ۳۰ کلان‌شهر، از جمله استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا، آدانا، قونیه، آنتالیا، هاتای، غازیانتپ و شهرهای شمال دریای سیاه و ... و همچنین در ۵۱ شهر و ۹۲۲ منطقه، علاوه بر ۳۹۰ شهر برگزار می‌شود، که تعداد کل شهرداران منتخب به ۱۳۹۳ نفر و بیش از ۳۲ هزار کدخدا در شهرها و روستاها می‌رسد.<sup>۲</sup> احزاب و افراد مستقل با توجه به شرایط لازم می‌توانند با نامزدی در انتخابات شهرداری‌های ترکیه شرکت کنند. شهرداران در نظام سیاسی-اجرایی ترکیه، اختیارات قابل توجهی دارند و احزابی که می‌توانند کنترل شهرداری‌ها را در اختیار بگیرند، ابزار و امکانات متعددی برای تقویت پایگاه سیاسی و اجتماعی خود، در اختیار دارند. از این‌رو، رسیدن به پست شهرداری به‌ویژه در کلان‌شهرهای ترکیه، تمرین حساس و مهمی برای برجسته شدن نام سیاستمدارانی است که می‌خواهند در آینده، نماینده وزیر و رئیس‌جمهور شوند. برای نمونه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه نیز، روزگاری شهردار استانبول بوده و در همان مدتی که این پست را در اختیار داشت، توانست خود را به مردم ترکیه معرفی کند و بعدها به مقام نخست‌وزیری و ریاست جمهوری برسد.

### ۵-۶. مؤسسات تربیت و آموزش حکمرانی

نهادهایی مانند انجمن علوم سیاسی ترکیه (TPSA)<sup>۳</sup> نیز به آموزش ایدئولوژیک و استراتژیک سیاستمداران در ترکیه مشغول هستند. این مؤسسه یک سازمان حرفه‌ای است که با برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، اندیشمندان، محققان و متخصصان مرتبط با عرصه حکمرانی در این کشور را گرد هم آورده و به پیشرفت تحصیلات و عمل در این حوزه در ترکیه اختصاص دارد. این مؤسسه همچنین با نهادهای مختلفی در سطوح ملی و بین‌المللی همکاری می‌کند و انتشاراتی مختص انتشار تولیدات خود در قالب مجلات، مقالات و گزارش‌های تحقیقاتی دارد. اندیشکده‌ها نیز به‌عنوان مؤسسات فعال در حوزه سیاستگذاری اگر چه به‌صورت مستقیم در تربیت نیروی سیاسی اثرگذاری ندارند، اما به‌واسطه ارائه دانش، چشم‌اندازها و فرصت‌های شبکه‌سازی، می‌توانند در

1. Ulusal Yönetim Akademisi

۲. برای توضیح بیشتر می‌توانید به آدرس <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news> /۲۰۲۵۱۵۱ مراجعه کنید.

3. Türkiye Siyaset Bilimi Derneği

آموزش ایدئولوژیک و استراتژیک سیاستمداران در ترکیه اثرگذار باشند.

مدارس امام خطیب یا آنچه خود ترک‌ها امام هاتیپ می‌نامند از دیگر مؤسسات تربیت حکمران به‌شمار می‌روند؛ که افراد تربیت‌یافته در این مدارس به‌نوعی مستعد همکاری با احزاب محافظه‌کار می‌شوند. اکثر دانش‌آموزان مدارس امام خطیب از خانواده‌هایی هستند که پیشینه مذهبی دارند. بر این اساس، بسیاری از والدین محافظه‌کار و مذهبی در شهرهای کوچک و روستایی (در مرکز و شرق ترکیه) فرزندان خود را پس از تحصیلات ابتدایی به این مدارس می‌فرستند. بر این اساس این نهاد برای ورود به عرصه سیاسی کشور و ایجاد طبقه حکمرانی جدید به‌منظور اثرگذاری بر قدرت در ترکیه تلاش می‌کند. به‌عنوان مثال، از ۳۴۱ نماینده حزب عدالت و توسعه در ترکیه، ۷۳ نفر از آنان را فارغ‌التحصیلان این مدرسه تشکیل می‌دهند [۲۱].

درباره الگوی کنشگری نیروهای مذهبی در سیاست ترکیه می‌توان گفت؛ طبقه حاکم<sup>۱</sup> در ترکیه نهادهای وابسته به سکولاریسم با تفاسیر کمالیستی است که در نهادهایی مانند ارتش، قوه قضائیه، حزب جمهوری خلق خود را نشان می‌دهد؛ جنبش‌ها و احزاب اسلامی ترکیه مجبور بوده‌اند در این چارچوب سکولار وارد میدان سیاست شوند. احزاب سیاسی اسلامی به‌عنوان کارگزار<sup>۲</sup> هم بر ساختارهای حقوقی و سیاسی سکولار تأثیرگذار بوده‌اند و هم از این ساختار حقوقی و سیاسی تأثیر پذیرفته‌اند. برای مثال، هواداران احزاب اسلامی که بسیاری در مدارس امام خطیب تربیت اولیه را دیده‌اند به‌دلیل ممنوعیت بهره‌گیری از اصول دینی در سیاست مجبور به خلق زبانی غیردینی شده‌اند و از آنجایی که محافظه‌کاری<sup>۳</sup> ارتباط نزدیکی با مذهب دارد، احزاب اسلامی در ترکیه خود را دمکراسی محافظه‌کار می‌نامند و اسامی با عنوان‌های اخلاقی مانند رفاه، فضیلت، عدالت و رستگاری برای احزاب خود انتخاب می‌کنند [۲۲]. به‌عبارتی احزاب اسلام‌گرا مفاهیم اسلامی را در قالب زبان سکولار در جامعه ترکیه مطرح می‌کنند، برای نمونه احزاب اسلام‌گرا از بحث حجاب در اماکن عمومی در قالب آزادی‌های فردی در پوشش دفاع می‌کنند نه احکام اسلامی مبنی بر وجوب حجاب.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تربیت سیاستمدار و حکمران مشتمل بر روندی است که در آن فرد یا گروهی از افراد ویژگی‌های معینی را کسب می‌کنند و برای تصدی جایگاه‌های معین در نهادهای سیاسی آماده می‌شوند. در حوزه سیاست جهانی، درک پویایی آموزش و تربیت نیروهای سیاسی برای پرورش فهمی عمیق‌تر از مکانیسم‌هایی که نظام‌های سیاسی مختلف را شکل می‌دهند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. به سبب وجود ادبیات بسیار اندک در حوزه تربیت نیروی سیاسی چه به شکل جهانی و چه به شکل داخلی، مطالعه تطبیقی می‌تواند درکی بسیار خوب از این حوزه را برای خوانندگان فراهم کرده و به شکل‌گیری ادبیات پژوهشی حول محور این کارکرد بسیار مهم در نظام‌های سیاسی کمک کند. در نتیجه، در این مطالعه تطبیقی تلاش شده است تا سازوکارها و پیچیدگی‌های آموزش و تربیت حکمرانان در جمهوری ترکیه را مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. در ترکیه عوامل سیستمی که چارچوب گسترده‌ای برای تربیت سیاسی فراهم می‌آورد در بردارنده مواردی از قبیل نظام حقوقی، نظام انتخاباتی و نظام حزبی است. همان‌طور که در گزارش بیان شد؛ نظام سیاسی ترکیه را می‌توان نظام سیاسی حزب‌بنیاد نامید، ساختاری که در آن احزاب و شاخه‌های گوناگون آن از نقش کانونی در بازتولید نخبگان سیاسی برخوردارند. مسیر فعالیت سیاسی از مقام‌های محلی تا جایگاه‌های ملی با سیاست حزبی درهم‌آمیخته است. در دوره معاصر این نقش کانونی احزاب چه در دوره اقتدارگرایی و چه در دوره کثرت‌گرایی سیاسی در ترکیه نمایان بوده است. در این ساختار تا قبل از اصلاحات سال ۲۰۱۷ به‌تبع احزاب، پارلمان نیز از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و در مسئله تحرک سیاسی می‌توان ورود به پارلمان را سکوی پرتاب اصلی به سمت کابینه دولت در نظر گرفت. علاوه بر مسیر حزبی، مسیر فن‌سالارانه نیز در گزینش نخبگان سیاسی در ترکیه مؤثر بوده است، اما برخلاف کشورهای اروپای غربی تأکید بر ظرفیت فنی سیاستمداران به‌طور کامل منفک از وابستگی حزبی نبوده و به‌عبارتی در گزینش سیاستمداران فن‌سالار نیز احزاب تأثیرگذار بوده‌اند. با وقوع

1. Ruling Class
2. Agent
3. Conservatism



کودتای ناموفق سال ۲۰۱۶ و متعاقب آن اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، نظام سیاسی ترکیه از ساختار پارلمانی به سمت ساختار ریاستی حرکت کرده، ساختاری که در آن اختیارات رئیس‌جمهور به شدت افزایش پیدا کرده است، اگرچه این ساختار حقوقی می‌تواند نقش احزاب و پارلمان را در ساختار حکمرانی ترکیه تضعیف کند، اما به نظر می‌رسد هنوز احزاب را باید گزینش‌گر و تربیت‌کننده اصلی حکمرانان در ترکیه قلمداد کرد. در این راستا، علاوه بر احزاب می‌توان از نهادهایی با تأثیرگذاری کمتر و در عین حال در هم تنیده با احزاب مانند انجمن علوم سیاسی ترکیه، مدارس دینی امام خطیب (به‌خصوص برای گروه‌های مذهبی) و فعالیت در سطوح محلی به‌خصوص شهرداری‌ها نام برد.

نظر به خصوصیات و زمینه فرهنگی-اجتماعی جامعه ایرانی و الزامات حقوقی ساختار سیاسی کشور، استفاده از مدل‌های کلاسیک وارداتی نظیر ساختارهای کاملاً حزبی به مانند جمهوری ترکیه، شاید حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به احتمال زیاد به تکرار تجارب شکست خورده تاریخی متعدد در طول سال‌های پس از مشروطه خواهد انجامید. لذا در این بخش مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی و نهادی با قابلیت اجرایی و قابل تطبیق با الزامات حقوقی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت ارائه می‌شود:

### الف) پیشنهادهای کوتاه‌مدت: تشکیل یابی موقت

#### ■ فعال / توانمندسازی نهادهای (غیرسیاسی) مؤثر در تربیت مدیران سیاسی در کشور

در گام اول، شناسایی و نگاهت نهادی ساختارهایی که غالباً با ماهیت غیرسیاسی و به‌دلایل مختلفی عملاً نقش مؤثری در تربیت مدیران سیاسی در سال‌های اخیر کشور ایفا کرده‌اند، ضرورت دارد. در کوتاه‌مدت، بدون ورود به فرایند طولانی و پیچیده نهادسازی سیاسی، می‌توان با فعال کردن و توانمندسازی نهادهای فعلی، به سرعت در ارتقای ظرفیت مدیران سیاسی تلاش کرد. هرچند ماهیت غالباً غیرسیاسی این نهادها، می‌تواند تعارضاتی با کارکردهای سنتی آنها در حوزه‌هایی شبیه آموزش عالی، امنیت، فرهنگ و دفاع داشته باشد؛ اما با ایجاد دپارتمان‌های موقت توسعه سیاسی، می‌توان ضمن تفکیک کارکرد سیاسی از کارکردهای سنتی آنها، به صورت حرفه‌ای‌تری فرایند شناسایی، انتخاب، آموزش و حمایت از اعضای سیاسی آن نهادها را مدیریت کرد.

#### ■ شبکه معتمدین / کارآفرینان سیاسی

عواملی همچون خلأ تشکیلات سیاسی و چالش تعارضات کارکردی نهادهای ذاتاً غیرسیاسی، در کنار سنت فردمحور در سیاست ایرانی، در مجموع ضرورت حضور افراد معتمد سیاسی را حداقل در دوران گذار به سوی ساخت‌یافتگی سیاسی ناگزیر می‌کند. لذا به نظر تعیین افرادی که با استفاده از اعتماد حاکمیت به آنها در جایگاه «کارآفرینان سیاستی» عمل کرده و به انتخاب، سازماندهی، توانمندسازی و حمایت از شبکه‌ای از مدیران بالقوه سیاسی کشور بپردازند.

#### ■ تدوین چارچوب حاکمیتی فعالیت سیاسی

تدوین و تنظیم یک چارچوب سیاسی از سوی حاکمیت که اصول و مرزهای مشروع فعالیت سیاسی و مسئولیت متقابل نهادهای موقت و کارآفرینان سیاسی فعلی را مشخص و ساماندهی کند، و توافق بر سر آن با فعالین سیاسی می‌تواند گامی مؤثر در توسعه نهادی سیاسی کشور باشد. در خلأ چنین چارچوب توافق شده اجراپذیر و دقیقی، فعالیت سیاسی پیش‌بینی‌پذیر و مشروع، عملاً دشوار خواهد بود.

#### ■ ارتقای سازوکار ارزیابی قابلیت مدیریت سیاسی در نهاد ناظر انتخابات

بدون ورود به چالش حقوقی و قانون اساسی و مبتنی بر چارچوب نهادی فعلی نظارت بر صلاحیت‌های انتخاباتی، می‌توان علاوه بر نظارت فقهی و حقوقی، از ظرفیت تخصصی و مقبولیت «نهادهای مکمل» همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازمان‌های تخصصی حاکمیتی- برای اطمینان از نظارت جامع بر قابلیت‌های سیاسی و مدیریتی کاندیداهای جایگاه‌های مدیریت سیاسی کشور و در قالب نظارت‌های پیشینی تفویض شده از سوی شورای نگهبان با حفظ اقتدار تصمیم‌نهایی و حق وتوی شورا استفاده کرد. این سازوکار تکمیلی می‌تواند وجود قابلیت تشکیلاتی و انسجام سیاسی را به‌عنوان بخشی از شرایط ارزیابی مدنظر قرار دهد و تأیید و معرفی نهادهای منتخب دوران گذار و کارآفرینان سیاسی را مرجع بداند.

### ■ سازوکار متمرکز ارتقای قابلیت حکمرانی سیاسی

ایجاد یک مرکز تخصصی و موقت ارتقای توانمندی‌های مدیریت سیاسی و تعیین ارزیابی تخصصی آن به‌عنوان پیش‌شرط کسب جایگاه‌های سیاسی، می‌تواند به‌عنوان یک راهکار موقت و تسریع‌کننده برای افزایش دانش و مهارت حکمرانی سیاسی عمل کند.

### ■ (ب) پیشنهادهای میان‌مدت: زیرساخت‌سازی حقوقی نهادمندی سیاسی ■ تمایز مدیران حرفه‌ای (بوروکراتیک-تکنوکراتیک) و مدیران سیاسی

به‌رغم وجود تعریفی غیرکاربردی در مورد مدیران سیاسی در قانون خدمات کشوری، تعیین چارچوب حقوقی، مدل ارزیابی و شرایط تصدی این جایگاه‌ها در قوانین کشور، می‌تواند زیرساخت لازم برای توسعه نهادی ساخت سیاسی کشور را فراهم آورد. عبور چنین قانونی از هفت‌خوان فرایند تقنین در ایران، صد درصد نیازمند وفاقی نسبی در اجزای نظام سیاسی بر ضرورت تشکیل یابی سیاسی کشور است.

### ■ زیرساخت حقوقی حزب

تدوین چارچوب حقوقی مشوق و نهادینه‌کننده تشکیل‌یافتگی نظام سیاسی کشور، با تعیین شرایط، چارچوب فعالیت، سازوکار نظارت، قواعد رقابت، شاخص‌های ارزیابی و رتبه‌بندی، حمایت‌ها، مسئولیت‌ها، دسترسی‌ها، و محدودیت‌های این تشکلهای، می‌تواند به پایدارسازی، پویایی، و درعین‌حال ثبات نهادی ساختار سیاسی کشور منجر شود.

### ■ پیشنهادهای بلندمدت: به‌سوی ساخت‌یافتگی سیاسی

#### ■ اصلاح سیاست‌های کلی

اسناد بالادستی همچون سیاست‌های کلی باید چارچوب‌دهنده، تضمین‌کننده، و مشوق تشکیل‌یابی سیاسی کشور باشند. عبور از هنجار عمومی ضدتشکل و قوانین، قواعد و سنت‌های فردمحور سیاسی، و مقاومت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ بدون پشتوانه تعیین جهت راهبردی و تصریح حقوقی حاکمیتی در بالاترین سطح خود، پایدار و مانا نخواهد بود.

#### ■ بازتعریف حزب اسلامی-ایرانی

عبور از چالش‌های نظری و مناقشات ارزشی پیرامون تناسب فلسفه و سازوکارهای حزب کلاسیک که در دهه‌های اخیر با شکست‌ها و ناکامی‌ها و انتقادات فراوانی در کشورهای مادر خود مواجه بوده است، با شاخصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تمدنی جامعه ایرانی؛ بدون ارائه و اجرایی‌سازی مدل‌های متناسب بومی امکان‌پذیر نیست. حتماً شروع از این قبیل مناقشات بنیادین در گام‌های نخستین، می‌تواند به انسداد ضرورت تشکیل‌یابی سیاسی بینجامد و با اصل عملگرایی سیاستی تطابق ندارد؛ اما در بلندمدت گریزی از اجماعی نسبی بر مدلی بومی و متناسب وجود ندارد. گفتگوهای بنیادین و ارزیابی موشکافانه و روش‌مند تجارب جهانی و ملی، از لوازم رسیدن به چنین مدل منتخب و دارای مشروعیت حداکثری است.



جدول ۲. پیشنهاد توصیه سیاستی

دستگاه معین	دستگاه متولی	جنس سیاست	توصیه سیاستی	نوع توصیه		ردیف
				اصلاح	تداوم	
وزارت علوم	وزارت کشور	کوتاه‌مدت	فعال / توانمندسازی نهادهای (غیرسیاسی) مؤثر در تربیت مدیران سیاسی در کشور		*	۱
مجلس شورای اسلامی	وزارت کشور	کوتاه‌مدت	شبکه معتمدین / کارآفرینان سیاسی		*	۲
مجمع تشخیص مصلحت نظام	وزارت کشور	کوتاه‌مدت	تدوین چارچوب حاکمیتی فعالیت سیاسی	**		۳
مجمع تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان مجلس شورای اسلامی	وزارت کشور	کوتاه‌مدت	ارتقای سازوکار ارزیابی قابلیت مدیریت سیاسی در نهاد ناظر انتخابات	**		۴
وزارت کشور	وزارت علوم	کوتاه‌مدت	سازوکار متمرکز ارتقای قابلیت حکمرانی سیاسی	**		۵
سازمان اداری-استخدامی	وزارت کشور	میان‌مدت	تمایز مدیران حرفه‌ای (بوروکراتیک-تکنوکراتیک) و مدیران سیاسی	**		۶
	وزارت کشور	میان‌مدت	زیرساخت حقوقی حزب	**		۷
	مجمع تشخیص مصلحت نظام	بلندمدت	اصلاح سیاست‌های کلی	**		۸
	وزارت کشور	بلندمدت	بازتعریف حزب اسلامی-ایرانی	**		۹

\* تداوم یا تقویت آیت‌ها یا اقدامات.  
\*\* اصلاح رویه‌ها یا ایجاد سازوکارها.  
\*\*\* مأخذ: یافته‌های پژوهش.



[1] Seligman, L. G. (1964). "Political change: Legislative elites and parties in Oregon." *Western Political Quarterly*, 17(2), 177-187.

[2] Perthes, V. (2004). *Arab elites: Negotiating the politics of change*. Lynne Rienner Publishers.

[3] Beš, H., & Higley, J. (Eds.). (2018). *The Palgrave handbook of political elites*. Springer International Publishing.

[4] Pakulski, J., & Tranter, B. (2015). *The decline of political leadership in Australia: Changing recruitment and careers of federal politicians*. Palgrave Pivot.

[5] Silvester, J. (2012). *Recruiting politicians: Designing competency-based selection for UK parliamentary candidates*. Cambridge University Press.

- [6] Costapinto, A., Cotta, M., & Tavares de Almeida, P. (2018). *Technocratic ministers and political leadership in European democracies*. Palgrave Macmillan.
- [7] Wilson, W. (1887). "The study of administration." *Political Science Quarterly*, 2(2), 197–222. As cited in Peters, B. G. (n.d.). *The politics of bureaucracy* (p. 4).
- [8] Mainzer, L. C. (1973). *Political bureaucracy*. Foresman.
- [۹] فون میزس، لودویک (۱۴۰۲). بوروکراسی (مترجم: مهدی تدینی)، تهران: انتشارات پارسه.
- [10] Silvester, J. (2012). *Recruiting politicians: Designing competency-based selection for UK parliamentary candidates*. Cambridge University Press.
- [11] Aberbach, J. D., Putnam, R. D., & Rockman, B. A. (1981). *Bureaucrats and politicians in Western democracies*. Harvard University Press.
- [12] Ahmad, F. (1977). *The Turkish experience in democracy, 1950–1975*. Westview Press.
- [13] Costapinto, A., Cotta, M., & Tavares de Almeida, P. (2018). *Technocratic ministers and political leadership in European democracies*. Palgrave Macmillan.
- [14] Dodd, C. H. (1969). *Politics and government in Turkey*. Manchester University Press.
- [15] Yildirim, G. K. (2018). "Elite recruitment and political career patterns: A comparative analysis of political parties in Turkey" (Doctoral dissertation, Institute of Social Sciences).
- [16] Costapinto, A., Cotta, M., & Tavares de Almeida, P. (2018). *Technocratic ministers and political leadership in European democracies*. Palgrave Macmillan.
- [17] Costapinto, A., Cotta, M., & Tavares de Almeida, P. (2018). *Technocratic ministers and political leadership in European democracies*. Palgrave Macmillan.
- [18] Kocapınar Yıldırım, G. (2018). "Elite recruitment and political career patterns: A comparative analysis of political parties in Turkey" (Doctoral dissertation, Sabancı University). Sabancı University Research Database. <https://research.sabanciuniv.edu/id/eprint/36877>
- [19] Costapinto, A., Cotta, M., & Tavares de Almeida, P. (2018). *Technocratic ministers and political leadership in European democracies*. Palgrave Macmillan.
- [20] Norris, P., & Lovenduski, J. (1995). *Political recruitment: Gender, race and class in the British Parliament*. Cambridge University Press.
- [21] Sayari, S., & Hasanov, A. (2008). "The 2007 elections and parliamentary elites in Turkey: The emergence of a new political class?" *Turkish Studies*, 9(2), 345–361.
- [22] Akdoğan, Y. (2004). *AK Parti ve muhafazakâr demokrasi*. Alfa Yayınları.

#### گزیده سیاستی

اگرچه در برخی دوره‌ها رویکردهایی چون گزینش‌های فن‌سالارانه و مدارسی مانند امام‌حاتب برای تربیت سیاستمدار در ترکیه به‌منصه ظهور رسیدند، اما تربیت حزبی هنوز الگوی غالب بوده و مسیر فعالیت سیاسی از مقام‌های محلی تا جایگاه‌های ملی با آن درهم‌آمیخته است.